

مقدمه

کم و بیش برای بیشتر ما در زندگی پیش آمده است که دیگران به ما توهین کرده باشند. توهین به شکل‌های گوناگونی صورت می‌گیرد و در مقابل، شیوه‌های واکنش افراد به توهین و توهین‌کنندگان هم متفاوت است. در این مقاله ما در صدد بررسی برخی از شیوه‌های گوناگون واکنش نشان دادن به توهین و میزان اثربخشی و پیامدهای کدام از آن‌ها با نگاهی به آموزه‌های اسلامی هستیم و هدف ما یافتن مناسب‌ترین شیوه‌های برخورد با این رفتار و موقعیت ناخوشایند است.

گونه‌های توهین

توهین گاهی زبانی است اعم از کتبی و شفاهی و گاهی غیرزبانی. از طرف دیگر گاهی مستقیم است و گاهی غیرمستقیم. زبانی غیرمستقیم مانند شوخی کردن و لطیفه‌کناییه‌آمیز گفتن یا تقلید کردن مضحک از نحوه حرف زدن فرد، غیرزبانی غیرمستقیم مانند نگاه سرد یا عاقل‌اندر سفیه انداختن یا خیره شدن طولانی یا خندیدن تمسخرآمیز یا ابرو بالا انداختن، زبانی مستقیم مانند انواع و اقسام فحش‌ها و غیرزبانی مستقیم مانند حرکات گوناگون بدنی که پیام‌های رکیکی را دربردارند. ناگفته نماند گاهی نیز توهین برخلاف موارد پیش‌گفته که همه از جنس اقدام بودند، از جنس ترک اقدام است؛ مثلاً دعوت نکردن کسی به جایی که باید دعوت می‌شد یا از عمد به لطیفه‌گو نخندیدن یا از همه جز او پذیرایی کردن.

شیوه‌های گوناگون واکنش به توهین

شیوه‌های واکنش به توهین گوناگون است که هر کس بسته به شخصیت و تجربه خود و نیز عوامل دیگر از یک یا چند تا از



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

آن‌ها استفاده می‌کند و گاهی یک یا دو تا از آن‌ها سبک غالب او در مواجهه با این رفتار دیگران را تشکیل می‌دهند. حال آن‌ها را نام می‌بریم و اثربخش بودن یا نبودن آن‌ها را بررسی می‌کنیم.

عصیانیت

ضعیف‌ترین پاسخ ممکن، عصیانیت است؛ به سه دلیل: اول آن‌که نشان می‌دهد که ما توهین و در نتیجه توهین‌کننده را جدی گرفته‌ایم. دوم این‌که حاکی از این است که آن توهین به احتمال زیاد راست است و سوم اینکه ما را آشفته می‌کند و باعث می‌شود که زجر بکشیم؛ بنابراین عصیانیت شاید رایج‌ترین شکل واکنش باشد ولی پرهزینه‌ترین شکل آن نیز هست؛ به‌خصوص که گاهی به ضرب و جرح و گاهی قتل نیز منجر می‌شود که در این صورت پیامدهای سنگین آن، زندگی افراد و خانواده‌هایی را تلخ و تباه می‌سازد.

مقابله به مثل

پاسخ توهین با توهین، گاه ساده است و گاه هوشمندانه؛ در شکل ساده آن نیز گاه تکرار عین آن و به همان اندازه است و گاه کم‌تر از آن و گاه بیشتر. پاسخ هوشمندانه و زیرکانه دشوار و نیازمند تیزذهنی و مهارت حاضر جوابی است. حال به بیان نمونه‌هایی شنیدنی از پاسخ هوشمندانه می‌پردازیم.

در زمان جامی یکی از بزرگ‌زادگان شهر که ادعای شاعری داشت، غزلی مانند غزل جامی گفته و نزد وی آورده بود. پس از قرائت شعر، از این بیت جامی:

بس که در جان فگار و چشم بیدارم تویی

هر که پیدا می‌شود از دور پندارم تویی

ایراد گرفت و گفت: شما در مطلع شعر خود گفته‌اید: هر

که پیدا می‌شود از دور پندارم تویی، شاید گاوی پیدا شود!

جامی گفت: باز پندارم تویی!^۱ گفتنی است که اگر قرار باشد از چنین روشی استفاده کنیم این روش تنها در جمع دوستان مناسب است؛ آن‌هم با رعایت مرزهای اخلاق الهی و در نهایت نیز باید با یک شربت یا تعارف کردن یک میوه یا مالیدن دوستانه شانه طرف مقابل تمام شود و هدف از آن باید تنها شوخی و خوشمزگی باشد. نکته دیگر این‌که مقابله به مثل حتی اگر به شیوه هوشمندانه باشد باز مشکلی بزرگ دارد و آن این‌که ما را با توهین‌کننده در یک سطح قرار می‌دهد. در واقع او با توهین کردن، در نگاه دیگران و حتی خودش در درجه پایین‌تری از ما قرار می‌گیرد؛ اما این تا زمانی است که ما مقابله به مثل نکرده‌ایم؛ حال اگر ما هم مثل او رفتار کردیم، در واقع با دست خود او را دوباره بالا کشیده‌ایم که در سطح ما قرار گیرد یا این‌که خود پایین‌تر رفته‌ایم که در سطح او قرار گیریم و این کار به طور طبیعی به او و توهینش اعتبار بسیار بیشتری اعطا می‌کند.

در روایتی از امام علی علیه السلام آمده است که دو نفر به یکدیگر فحش نگفتند، مگر آن‌که پست‌ترین آنان غلبه کرد.^۲ نکته اینجاست که به هر حال هر دو در صفت پستی با هم مشترک هستند و تنها در کم و زیادش با هم تفاوت دارند.

همچنین در روایت دیگری عیاض بن حماد می‌گوید: عرض کردم: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! درود خدا بر تو باد، مردی از قوم و قبیله من که از من دون‌پایه‌تر است، به من ناسزا می‌گوید، آیا اشکال دارد من هم به تلافی این کار، او را دشنام دهم؟ پیامبر فرمود: دو کس که یکدیگر را ناسزا گویند، دو شیطان‌اند که به یکدیگر پارس می‌کنند و به جان هم می‌افتند.^۳

متأسفانه گاهی مقابله به مثل، تبدیل به مقابله به بدتر

.....

۱. رک: احمدی دارانی، گنجینه لطایف، ص ۹۷.

۲. رک: لثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص ۴۷۷.

۳. رک: ورام، تنبیه الخواطر و نزهة النوادر، ج ۱، ص ۱۱۱.

می‌شود تا جایی که شخص دشنام خورده به کتک زدن دشنام دهنده می‌پردازد و گاهی کار چنان بالا می‌گیرد که به قتل یکی از آن دو می‌انجامد. مردی شخصی را به خدمت علی علیه السلام آورد و عرض کرد: دیدم که عده‌ای از دوزخی بودن تو [حضرت علی علیه السلام] سخن می‌گویند، همگی فرار کردند، اما من این یکی را گرفتم. علی علیه السلام فرمود: آیا کسی را بکشم که مرا نکشته است؟ مرد عرض کرد: او تو را دشنام می‌داد. حضرت علی علیه السلام فرمود: تو هم او را دشنام ده یا رهایش کن و فرموده: جواب دشنام، دشنام است یا چشم‌پوشی از گناه.^۱

بذیرفتن

بذیرش، پاسخی نیرومند در میان پاسخ‌ها، وقتی کسی به ما توهین می‌کند ما باید سه چیز را بررسی کنیم. آیا آن توهین راست است؟ کسی که آن را انجام داده کیست و چرا؟ اگر آن توهین راست باشد، کار توهین‌کننده توجیه می‌یابد و انگیزه‌اش ارزشمند؛ پس در واقع توهینی صورت نگرفته است؛ بلکه واقعیتهای بیان شده است که خود می‌تواند برای ما مفید باشد؛ مثل این که کسی به ما بگوید زیپ شلوارت باز است و واقعاً باز باشد؛ و به همین سبب ما به والدین یا معلمان یا بهترین دوستان به خاطر رفتار توهین‌آمیزشان حمله نمی‌کنیم و نباید هم بکنیم؛ زیرا غالباً توهین آنان توهین نیست بلکه بیان واقعیت است. به‌طور کلی اگر توهین‌کننده کسی است که ما برای او احترام قائلیم باید درباره توهین او فکر کنیم و تا جایی که می‌توانیم از آن درس یاد بگیریم ولی اگر شخصیت توهین‌کننده به گونه‌ای است که ارزش توجه ما را ندارد، پس دلیلی ندارد که به او حمله کنیم؛ همان‌طور که ما به یک سگ در حال پارس کردن حمله نمی‌کنیم.

۱. رک: محمدی ری‌شهری، دانشنامه میزان‌الحکمة، ج ۵، ص ۱۸۶.

حکیمی میهمان داشت. همسر حکیم عصبانی بود و سفره را به هم زد. میهمان ناراحت شد و می‌خواست برود. حکیم به میهمان گفت: آیا اگر پرنده‌ای این سفره را به هم می‌زد، شما ناراحت می‌شدید؟ میهمان گفت: خیر. حکیم گفت: شما فکر کن که همسر من هم یک پرنده بود که سفره را به هم زد!

شوخ‌طبعی

شوخ‌طبعی پاسخی تاثیرگذار است به سه دلیل: توهین را دست کم می‌گیرد، تماشاگران را پراکنده می‌کند و از سنگینی فشار موقعیت می‌کاهد. حال چند نمونه از این شیوه را بیان می‌کنیم: شاعری می‌گوید:

هرکس بد ما به خلق گوید

ما چهره به غم نمی‌خرائیم

ما خوبی او به خلق گوئیم

تا هر دو دروغ گفته باشیم!

نادیده گرفتن روشی آسان و در عین حال قدرتمند. نادیده گرفتن و رد شدن به گونه‌ای که گویی از کنار لاشه بدبوی حیوانی رد می‌شوید. داستان مشهور اهانت مرد بازاری به مالک اشتر و خم به ابرو نیاوردن مالک را که همه شنیده‌ایم، نمونه‌ای از این برخورد است که با برخورد کریمانه دعا کردن برای او ادامه می‌یابد.

ضعیف‌ترین پاسخ ممکن، عصبانیت است؛ به سه دلیل: اول آن‌که نشان می‌دهد که ما توهین و در نتیجه توهین‌کننده را جدی گرفته‌ایم. دوم این‌که حاکی از این است که آن توهین به احتمال زیاد راست است و سوم اینکه ما را آشفته می‌کند و باعث می‌شود که زجر بکشیم.

سلامی که نشانه بی‌اعتنایی توأم با بزرگواری است، نه ناشی از ضعف، سلامی که دلیل عدم مقابله به مثل در برابر سبک‌مغزان است، سلام وداع گفتن نه سلام تحیت که نشانه محبت و پیوند دوستی است، سلامی که نشانه حلم و بردباری و بزرگواری است.^۳

شاعر عربی سروده است:

و لقد أمرّ علی اللثیم یسبّتی

فمررت فثم قلت لایعیننی

ترجمه: من از کنار انسان پستی عبور می‌کنم که به من دشنام می‌دهد؛ پس من رد شدم و با خود گفتم با من نیست. همچنین در حدیثی منسوب به امام رضا علیه السلام داریم که می‌فرماید: «کار زشت یا حرف زشت را برای اهلیش واگذار که هر کار زشتی، اهلی دارد.»^۴ و نیز حضرت علی علیه السلام به قنبر که می‌خواست به کسی که به او [قنبر] ناسزا گفته بود، ناسزا گوید، فرمود: «آرام باش قنبر! دشنام‌گویی خود را خوار و سرشکسته بگذار تا خدای رحمان را خشنود و شیطان را ناخشنود کنی و دشمنت را کیفر داده باشی. سوگند به خدایی که دانه را شکافت و خلایق

۳. رک: مکارم شیرازی با همکاری جمعی از فضلا، ج ۱۵، ص ۱۴۶.

۴. رک: علی بن موسی (ع)، امام هشتم، الفقه المنسوب للامام الرضا علیه السلام و المشتبه (فقه الرضا)، ص ۲۸۲.

نیز گویند روزی دانشمند فقیه، امام قشیری به مریدانش گفت که رسم ما در برابر محبوب همانند پیل است و از ابوسعید چون پشه! خبر به ابوسعید رسیده و در جواب گفت: در برابر عظمت بارگاه الهی من هیچ هستم فلذا پشه هم از آن تو باد! گفته‌اند که شخصی نامه‌ای به خواجه نصیر الدین طوسی نوشت و او را به زشتی یاد کرد. از جمله در نامه خطاب به او نوشته بود: «ای سگ پسر سگ». خواجه در پاسخ، این جمله را نوشت: اما اینکه مرا سگ پسر سگ خوانده‌ای درست نیست؛ زیرا سگ با چهار دست و پا راه می‌رود، عوعو می‌کند و ناخن‌هایش دراز است، اما من قامت‌م راست، پوست بدنم بدون مو، ناخن‌هایم پهن، حرف می‌زنم و می‌خندم.^۲

نادیده گرفتن

نادیده گرفتن روشی آسان و در عین حال قدرتمند. نادیده گرفتن و رد شدن به گونه‌ای که گویی از کنار لاشه بدبوی حیوانی رد می‌شوید. داستان مشهور اهانت مرد بازاری به مالک اشتر و خم به ابرو نیاوردن مالک را که همه شنیده‌ایم، نمونه‌ای از این برخورد است که با برخورد کریمانه دعا کردن برای او ادامه می‌یابد.

خدای تعالی در قرآن کریم در توصیف بندگان خاص خود می‌فرماید: «بندگان خاص خداوند رحمان آنانند که با آرامش و بی تکبر بر زمین راه می‌روند و هنگامی که جاهلان آنان را مخاطب سازند، به آن‌ها سلام می‌گویند (و با بی‌اعتنایی و بزرگواری می‌گذرند).» (فرقان: ۶۳)

به بیان دیگر بندگان ویژه خدای رحمان در پاسخ سفیهانی که به سخنان احمقانه و زشت می‌پردازند، سلام می‌گویند.

۱. رک: میرآقایی، سید هادی؛ شرح دیدار شخصیت‌ها با ابوالحسن خرقانی، کیهان فرهنگی، فروردین ۱۳۸۰ - شماره ۱۷۴ (۶ صفحه - از ۴۰ تا ۴۵)
۲. رک: صفدی، خلیل بن ایبک، الوافی بالوفیات، ج ۱، ص ۱۸۰.

در روایت دیگری عیاض بن حمّاد می‌گوید: عرض کردم: ای رسول خدا ﷺ! درود خدا بر تو باد، مردی از قوم و قبیله من که از من دون پایه‌تر است، به من ناسزا می‌گوید، آیا اشکال دارد من هم به تلافی این کار، او را دشنام دهم؟ پیامبر فرمود: دو کس که یکدیگر را ناسزا گویند، دو شیطان‌اند که به یکدیگر پارس می‌کنند و به جان هم می‌افتند.

را بیافزید، فرد مؤمن پروردگار خود را با چیزی همانند بردباری خشنود نکرد و شیطان را با حربه‌ای چون خاموشی به خشم نیاورد و احمق را چیزی مانند سکوت در مقابلش کیفر نداد.^۱

برخورد کریمانه

منظور از برخورد کریمانه رفتارهایی حاکی از روح بزرگ و شخصیت سالم و رشدیافته فرد است که معمولاً توهین‌کننده را از کرده خود شرمسار و پشیمان می‌کند و چه بسا او را وادار به عذرخواهی کند. به چند نمونه از گفتار و رفتار بزرگان در این زمینه اشاره می‌کنیم.

«هرگز نیکی و بدی یکسان نیست؛ بدی را با نیکی دفع کن، ناگاه (خواهی دید) همان کس که میان تو و او دشمنی است، گویی دوستی گرم و صمیمی است!» (فصلت: ۳۴)

امام صادق علیه السلام فرمودند: «اگر کسی به شما گفت: یکی بگو و ده تا بشنو، بگو اگر ده تا گفتی یکی هم نمی‌شنوی، هر کس تو را فحش داد بگو اگر در آنچه می‌گویی صداقت داری از خداوند می‌خواهم مرا پیام‌رزد و اگر دروغ می‌گویی از خداوند

می‌خواهم تو را رحمت کند.»^۲

مردی شامی تحت تأثیر تبلیغات معاویه وقتی حسین بن علی علیه السلام را در مدینه شناخت، به آن حضرت دشنام داد، حضرت بدون آنکه ابراز ناراحتی کند، پس از آنکه چند آیه از قرآن درباره حسن خلق و عفو و اغماض قرائت کرد به او فرمود: «ما برای هر نوع خدمت و کمک به تو آماده‌ایم. آنگاه از او پرسید: آیا از اهل شامی؟ مرد جواب داد: آری. حضرت فرمود: من با این خلق و خوی سابقه دارم و سرچشمه آن را می‌دانم.»

پس از آن فرمود: «تو در شهر ما غریبی، اگر احتیاجی داری حاضریم به تو کمک دهیم، حاضریم در خانه خود از تو پذیرایی کنیم، حاضریم تو را بیوشانیم، حاضریم به تو پول بدهیم.» مرد شامی که منتظر بود با واکنش شدیدی روبرو شود نه با چنین گذشت و رفتار نرمی، چنان منقلب شد که گفت: «آرزو داشتم در آن وقت زمین شکافته می‌شد و من به زمین فرو می‌رفتم و این چنین نشناخته و نسنجیده گستاخی نمی‌کردم. تا این لحظه برای من در همه زمین کسی از حسین و پدرش مبعوض‌تر نبود و از این لحظه برعکس، کسی نزد من از او و پدرش محبوب‌تر نیست.»^۳

کمک گرفتن از مراجع قانونی

از نظر حقوقی فحش دادن جزء جرایم است و پیگرد قانونی دارد و برای آن مجازات تعیین شده است که برای آشنایی با آن‌ها می‌توان به قانون مجازات ایران، مواد ۱۳۹ تا ۱۴۵ مراجعه کرد.^۴ همچنین در مواردی که دشنام‌دهنده، در سازمان یا کارخانه یا فروشگاه یا مواردی از این دست باشد و در همان محیط توهین کرده باشد، می‌تواند به مقام بالاتر از او شکایت کرد و درخواست رسیدگی کند.

۲. رک: مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحارالانوار، ج ۱، ص ۲۲۴.

۳. رک: مطهری، مرتضی، داستان راستان، ص ۸۲.

۴. http://hoghoogh.online.fr/article.php?id_article=363

۱. رک: مفید، امالی، ص ۱۸، ح ۲.



هشدار در مورد گسترش روابط «فرازناشویی» و افزایش «طلاق»^۱

به گزارش سرویس اجتماعی رادکانا، مجید ابهری، کارشناس مسائل اجتماعی و متخصص علوم رفتاری اظهار داشت: تسخیر بنیان خانواده، تضعیف باورها و ارزش‌های عقیدتی و معنوی، سست نمودن معنویت در زندگی زناشویی و تشویق به زندگی فرازناشویی و تقدیس روابط نامشروع اصلی‌ترین اهداف شبکه‌های ماهواره‌ای بوده است و بیش از ۹۰٪ از فیلم‌ها و سریال‌های این وسایل ارتباطی در این محورها حرکت می‌کنند. ابهری با اشاره به افزایش آمار طلاق به دلیل وجود ماهواره و شبکه‌های آن در کشور گفت: «افزایش آمار طلاق یکی از عوارض شبکه‌های ماهواره‌ای است که روابط فرازناشویی نیز همراه با آن وارد جامعه ما گردیده است. تغییر سبک زندگی از نظر پوشاک، آرایش و حتی تغذیه در دستور کار این شبکه‌ها قرار گرفته که به‌طور شبانه‌روزی به پخش برنامه مشغول‌اند؛ در حال حاضر بیش از ۴۵۰ شبکه ماهواره‌ای شبانه‌روزی در حال پخش برنامه‌های خود هستند و به اندازه‌ای برنامه‌های خود را در ساعات مختلف تکرار می‌کنند که بالاخره با مخاطبان ارتباط از نظر زمانی برقرار کنند.»

.....
۱ . دانا، ۳۱ تیر ۱۳۹۵.

کاهش صمیمیت و افزایش خیانت، مهم‌ترین فاکتورهای طلاق در بین زوج‌های جوان^۲

دکتر یحیایی‌راد روانشناس و مشاور خانواده، با بیان اینکه طلاق یک پدیده تک‌عاملی نیست و عوامل زیادی در شکل‌گیری آن دخیل است، گفت: اختلالات شخصیتی، عوامل اقتصادی، افزایش خیانت و کاهش صمیمیت از عوامل موثر در افزایش این پدیده ناگوار است. این استاد دانشگاه با اشاره به عوامل دخیل در فروپاشی کانون خانواده و افزایش طلاق، اظهار کرد: با توجه به تجربیاتی که در این زمینه دارم، کاهش صمیمیت و افزایش خیانت، مهم‌ترین عواملی است که منجر به وقوع طلاق می‌شود. وی در ادامه به تشریح علل کاهش صمیمیت و خیانت در بین زوج‌های جوان پرداخت و افزود: متأسفانه بسیاری از زوج‌های جوان، اصول اولیه مهارت‌های ارتباطی را بلد نیستند و نمی‌توانند در زندگی مشترک به صورت صحیح، همدلی و مهربانی خود را ابراز کنند؛ همچنین احساسات و دلگیری‌های خود را نیز به یکدیگر منتقل کنند.

.....
۲ . تابناک، ۲۷ تیر ۱۳۹۵.



۴۰ درصد مردان در طول زندگی مشترک به همسران خود

خیانت می کنند.^۱

نتایج برخی پژوهش‌ها حاکی از آن است که ۴۰ درصد مردان در طول زندگی مشترک به همسران خود خیانت می‌کنند. برخی صاحب‌نظران حوزه روان‌شناسی عواملی مانند عدم تأمین نیازهای احساسی، عاطفی یا جنسی و ... را زمینه‌ساز خیانت مردان می‌دانند. نتایج برخی از پژوهش‌ها نیز حاکی از آن است که ۴۸ درصد مردان عدم رضایت احساسی خود را عاملی مهم در خیانت می‌دانند؛ اما سوال اساسی این است که آیا همه مردان در صورت عدم تأمین نیازهای عاطفی یا جنسی دست به خیانت می‌زنند؟ برخی صاحب‌نظران نیز خیانت مردان را به تنوع‌طلبی ارتباطی می‌دهند و معتقدند که تنوع‌طلبی و روابط متعدد خصلتی مردانه و طبیعی است؛ اما واقعیت امر این است که چنین موضوعی نمی‌تواند منشأ علمی داشته باشد. اگر چنین است پس باید همه مردان به دلیل خصلت تنوع‌طلبی دست به خیانت بزنند. از سوی دیگر برخی تحقیقات اخیر خلاف این موضوع را تایید می‌کند که بر اساس آن تنوع‌طلبی در زنان بیش از مردان است.



بردگی زنان در اروپا^۲

پژوهش آژانس حقوق اساسی اروپا حاکی است که بیشتر از دو میلیون نفر در اروپا مانند بردگان زندگی می‌کنند. این پژوهش حاکی است که بیشترین سوء استفاده از نیروی کار در بخش‌های کشاورزی، ساخت و ساز و خدمات عمومی اروپاست. این تحقیقات همچنین نشان دهنده افزایش فعالیت شبکه‌های مافیایی در زمینه فحشا و سوء استفاده از زنان و کودکان در این قاره است.

۲. العالم، ۴ مرداد ۱۳۹۵.

۱. باشگاه خبرنگاران جوان، ۳ تیر ۱۳۹۵.





#فحشا#در#دبی#را#متوقف#کنید^۱

کاربران عربِ توییتر، با راه‌اندازی یک هشتگ از حاکمان امارات خواسته‌اند که فحشا و تجارت جنسی و شرب خمر را در دبی و ابوظبی متوقف کنند.

کاربران شبکه‌های اجتماعی امارات و دیگر کشورهای عربی با اعتراض شدید به گسترش فحشا و تن‌فروشی در هتل‌ها و کلپ‌های شبانه بزرگ‌ترین شهر امارات، به حاکمان امارات هشدار داده‌اند که پیش از نزول عذاب الهی، مراکز فساد و فحشا را تعطیل کنند.

این در حالی است که به نوشته سایت وطن، زمینه‌های قانونی نشر و گسترش فحشا در دبی کاملاً مهیاست و هیچ شهر دیگری در جهان نیست که تا این اندازه زیرساخت‌های گسترش فحشا و ترویج شرب خمر را فراهم کرده باشد.

ضاحی خلفان، رئیس پلیس جنجالی و پُرگویی دبی مدتی پیش ادعا کرده بود که «متأسفانه»، تن‌فروشی و شرب خمر در دبی، قابل برچیدن نیست!

۱ . العالم، ۲۵ تیر ۱۳۹۵.

گردشگری جنسی در تایلند برچیده می‌شود؟^۲

وزیر گردشگری و پلیس تایلند برای انهدام شبکه‌های روسپی‌گری و حذف صنعت گردشگری جنسی در این کشور که جاذبه زیادی برای برخی گردشگران خارجی دارد، در تلاش‌اند. مأموران پلیس در این راستا طی هفته‌های گذشته به برخی مراکز عمده تن‌فروشی در بانکوک یورش برده‌اند.

بر پایه این گزارش، وزیر گردشگری تایلند در گفتگو با خبرگزاری رویترز، ضمن بیان اینکه مردم برای تفریحات جنسی به تایلند سفر نمی‌کنند، گفت: «آنان برای فرهنگ زیبای ما به اینجا می‌آیند!»

وی در ادامه گفت: «ما می‌خواهیم تایلند نمونه‌ای از گردشگری باکیفیت باشد... و می‌خواهیم صنعت گردشگری جنسی از کشور برچیده شود.

۲ . جام نیوز به نقل از VOA، ۳۱ تیر ۱۳۹۵.

